

Quranic jurisprudential solutions to prevent the social damage of divorce and its impact on social health

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Morteza Akbari Ziarani¹
Zahra Fehrest^{2*}
Majid Vaziri³

How to cite this article

Akbari Ziarani Morteza, Fehrest Zahra, Vaziri Majid, Quranic jurisprudential solutions to prevent the social damage of divorce and its impact on social health, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(5): 67-76.

1. Department of Fiqh and Fundamentals of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:
Email: fehrest41@yahoo.com

ABSTRACT

Social harms are multidimensional, legal, controllable and preventable phenomena. Scientific study in this field can help in planning the three stages: pathology, prevention and treatment. Islam, as the most perfect religion of divine religions, emphasizes the prevention of social harms, including divorce, which is one of the most important social harms in the world and also in Iran. The increase in divorce and the damages caused by it has become a matter of concern because this phenomenon causes other social damages such as addiction, suicide, sexual deviations, etc. The purpose of this article is to examine jurisprudential and sometimes legal solutions to prevent the social damage of divorce; It has investigated the subject with analytical and descriptive methods. The findings of the research indicate that jurisprudence has provided several solutions in this field, which by adhering to them, the occurrence of this phenomenon can be prevented to a large extent. The most important ways to deal with the social damage of divorce in jurisprudence and law are: Increasing the spirit of tolerance of spouses with each other, training the necessary skills in controlling anger, importance of the role of the economy and providing employment opportunities for young people, efforts to strengthen the religious and moral foundation in common life, paying attention to genuine and real criteria in the stage of choosing a spouse; Mandating pre-marital psychological counseling for couples is a true revelation of the Quranic tradition of arbitration.

Keywords: Social harms, prevention of divorce, divorce, couples.

راهکارهای قرآنی فقهی پیشگیری از آسیب اجتماعی

طلاق و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی

مرتضی اکبری زیارانی^۱

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهره فهرستی^{۲*}

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مجید وزیری^۳

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی چند بُعدی، قانونمند، قابل کنترل و پیشگیری هستند. مطالعه علمی در این زمینه می‌تواند در برنامه ریزی مراحل سه گانه: آسیب شناسی، پیشگیری و درمان کمک شایانی بکند. دین مبین اسلام نیز به عنوان کامل ترین دین از ادیان الهی تاکید فراوانی بر مرحله پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی من جمله طلاق دارد که یکی از مهم ترین آسیب‌های اجتماعی در دنیا و همچنین کشور ایران، است و افزایش آن و آسیب‌های ناشی از آن، به موضوعی نگران کننده تبدیل شده است. چرا که این پدیده، موجب آسیب‌های اجتماعی دیگر از جمله اعتیاد، خودکشی، انحرافات جنسی و... می‌شود. مقاله حاضر با هدف بررسی راهکارهای فقهی و بعضاً حقوقی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی طلاق؛ با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فقه، راهکارهای متعددی در این زمینه ارائه داده که با تمسک به آنها می‌توان تا حدود زیادی از وقوع این پدیده پیشگیری کرد. مهم ترین راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی طلاق، در فقه و حقوق عبارتند از: افزایش روحیه مدارای همسران با یکدیگر، آموزش مهارت‌های لازم در کنترل خشم، اهمیت به نقش اقتصاد و فراهم سازی زمینه اشتغال جوانان، اهتمام به تقویت بنیان دینی و اخلاقی در زندگی مشترک، توجه به معیارهای اصیل و واقعی در مرحله همسر گزینی، اجباری کردن مشاوره‌های روانشناسی قبل از ازدواج برای زوجین و احیاء واقعی سنت قرآنی حکمیت.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری از طلاق، طلاق، زوجین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

*نویسنده مسئول: fehrest41@yahoo.com

مقدمه

همواره در تمامی موضوعات پیشگیری بهتر از درمان بوده است. همه ی کارشناسان و متخصصان معتقدند، اولین راه حل در مسائل و معضلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیشگیری است. در فقه و حقوق اسلامی نیز به تبع این تفکر همواره پیشگیری از جرائم را مفید تر و سودمند تر از مجازات و اجرای آن می‌داند. مسأله آسیب‌های اجتماعی از مهم ترین معضلات تهدید کننده زندگی اجتماعی است که با از میان بردن نیروها و توانمندی‌های جامعه، نقش مخربی در سلامت و فرایند توسعه و پیشرفت جامعه دارد. تجربه بسیاری از کشورها و از جمله ایران طی سالهای گذشته نشان داده است که مقابله با آسیب‌های اجتماعی با افزودن به نیروهای انتظامی، تشکیلات قضایی، وضع قوانین و مجازاتهای شدیدتر، چندان ثمربخش نبوده و صاحب نظران از دیرباز مهمترین راهکار پیشگیری از وقوع آسیبهای اجتماعی را شناسایی عوامل بروز این آسیبها و سعی در از بین بردن این عوامل و یا کاهش اثرات آن دانسته اند. (۱).

مسائل و موضوعات مربوط به طلاق از موضوعاتی هست که فقها، حقوقدانان، روانشناسان و متخصصان سایر رشته‌ها، برای یافتن دلیل وقوع و شناخت هر چه بهتر و همچنین برای یافتن راه‌های پیشگیری از آن تلاش می‌کنند و تاکنون راه کارهای متفاوتی را ارائه داده اند. در ایران در دهه اخیر، (همداستان با گسترش پدیده طلاق در سطح جهانی)، آمار طلاق به شکل نگران کننده ای در حال گسترش است. آمارها حکایت از این دارد که نرخ طلاق در دهه ۱۳۶۰ تقریباً روندی باثباتی را تجربه کرده است. اما در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ این روند صعودی بوده به طوری که نرخ طلاق در کشور از ۰/۹۲ مورد به ازای هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۲/۲۶ مورد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارت دیگر در طول پانزده سال گذشته نرخ طلاق در کشور حدود ۵،۲ برابر شده است که حکایت از رشد نگران کننده طلاق در دهه های اخیر است. (۲)

اهمیت پدیده طلاق از آنجا دوچندان می‌شود که مطالعه آسیب شناسی و انحرافات اجتماعی، بدون توجه به این پدیده امکان پذیر نمی‌باشد. زمانی که بنیان و اساس خانواده دچار تزلزل یا آسیب شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی دچار تزلزل شده و آن جامعه به سوی انواع مختلف آسیب‌های دیگر سوق داده می‌شود. آثار و پیامدهای شوم طلاق دامنگیر جامعه شده و منجر به کاهش انسجام و یکپارچگی جامعه می‌شود و سنگ بنای جامعه را از هم می‌گسلد. همچنین طلاق موضوعی دو وجهی است. بدین شکل که طلاق هم علت است و هم معلول. به این معنی که بروز طلاق از یک طرف، خود معلول آسیب‌های اجتماعی دیگر است و از طرف دیگر، خود، علت به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی دیگری می‌شود. مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که آسیب‌های اجتماعی چیست و راهکارهای فقهی پیشگیری از وقوع و افزایش آسیب‌های اجتماعی طلاق چیست؟ پاسخ این پرسش را از منظر فقه و حقوق اسلامی بررسی و تلاش میکنیم تا بر تکیه بر مبانی فقهی و حقوقی به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

آسیب اجتماعی: آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه رو می‌گردد. (۳) امروزه آسیب‌های اجتماعی به عنوان یک «مسئله و مشکل کلان» تبدیل شده است. لذا باید راه حل‌هایی برای برطرف کردن آنها و خروج از این وضع ناخوشایند یافت. از آنجایی که شارع مقدس و به تبع آن قانونگذار نسبت به وقوع آسیب‌هایی مانند طلاق حساسیت ویژه‌ای دارد؛ لذا راه‌هایی در متون دینی ما برای پیشگیری از وقوع چنین آسیب‌هایی پیش بینی شده، که نگارنده، سعی در واکاوی متون دینی و قانونی جهت ارائه آن راه کارها دارد. ضرورت و دغدغه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و رفع آثار زیانبار آن، و از طرفی فقدان تحقیقات منسجم، منظم و پیوسته در این زمینه؛ که بر مبنای و محوریت علوم انسانی اسلامی باشد؛ نگارنده را بر آن داشت؛ که با ارائه راه‌های علمی و در عین حال کاربردی، با استفاده از ظرفیت‌های فقه و متون دینی، راه‌کارهایی جهت پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی طلاق را مد نظر قرار دهد. زیرا بخش عمده تحقیقات صورت گرفته در حوزه علوم اجتماعی برگرفته از منابع علوم انسانی غربی و سکولار بوده و توجه کمتری به علم فقه و حقوق اسلامی شده است. به همین دلیل نگارنده درصدد است تا با تدوین تحقیقی منسجم، پیوسته و میان رشته‌ای؛ به اهداف مورد نظر دست پیدا کند. به نظر میرسد، میتوان با مطالعه، دقت نظر و پژوهش‌های بنیادی؛ به ارائه راه‌هایی مبتنی بر علوم مرتبط و بالاخص با محوریت علوم دینی، فقه و حقوق اسلامی نسبت به کاهش وقوع آسیب‌های اجتماعی طلاق اقدام نمود.

در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی طلاق در کتابهای فقهی یا حقوقی، به طور مستقل نگاشته‌ای وجود ندارد. اما در برخی از کتابهای فقهی و حقوقی به این موضوع پرداخته شده است. تالیفاتی در قالب کتاب و مقاله نزدیک به موضوع تحقیق حاضر نگاشته شده است، از جمله: کتاب «اسلام و آسیب‌های اجتماعی» نگاشته رضا غلامی (۴) نشر دانشگاه شاهد سال ۱۳۹۷ و... روش تحقیق در این اثر توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش برداری از منابع معتبر فقهی و حقوقی و تجزیه و تحلیل آنها است. تلاش می‌گردد با استفاده از اصول منطقی و علمی به تبیین و توصیف دقیق پدیده‌های مورد بحث پرداخته شود. از این منظر تحقیق نظری است. سپس داده‌ها نقد، بررسی و جمع بندی نهایی صورت می‌گیرد. گرچه با مراجعه به منابع فقهی، میتوان راهکارهای متعددی را در این خصوص شناسایی کرد، که در اثر حاضر به مهم ترین آنان پرداخته می‌شود.

۱. راهکارهای فقه در پیشگیری و کاهش طلاق

هر چند همه آسیب‌های اجتماعی دارای اهمیت هستند، اما برخی از آسیب‌های اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردارند. پدیده طلاق یکی از پر اهمیت ترین آسیب‌های اجتماعی است. چرا که کانون خانواده هم در نگاه دین مبین اسلام و فقه و هم از نگاه جامعه شناسان و حقوقدانان، از جایگاه ویژه و اهمیت بالایی برخوردار است. خانواده نهاد دیرپای اجتماع است که مامن و محل آسایش و آرامش جسم و روان آدمی به شمار می‌آید. خانواده، هسته اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و هر بحرانی که جامعه را فرا گیرد خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. خانواده جایگاه و مرکز پرورش انسان‌های با فضیلت و کانون مهر و محبت است.

خانواده در جوامع گوناگون دارای نقش پایگاه و منزلتی متفاوت است. خانواده، اگرچه هسته‌ای کوچک از اجتماع محسوب می‌شود، ولی نقش آن در حیات اجتماعی انسان‌ها فوق العاده حائز اهمیت است. استواری و تحکیم روابط خانوادگی در بهبود روابط اجتماعی و کاهش مشکلات جامعه نقش ارزنده و مثبت دارد. (۵).

طلاق یکی از مهم ترین عوامل به خطر افتادن کيان و اساس خانواده شناخته می‌شود. پس مطالعه، تحقیق، پژوهش، شناسایی علل و عوامل بروز این پدیده و در نهایت پیشگیری از وقوع آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این موضوع زمانی از اهمیت دو چندان برخوردار می‌شود که بدانیم که آسیب اجتماعی طلاق، خود مولود و بوجود آورنده چندین آسیب اجتماعی دیگر از جمله اعتیاد، الکلیسم، خودکشی، انحرافات جنسی، بیماری‌های روانی و... میباشد.

این واقعیت که میزان طلاق در جوامع نوین امروزی بسیار بالاتر از دوران پیشین است، بیشتر از جامعه و ارزشهای متغیر آن سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، زندگی شهری و تحرک جغرافیایی آن، از طریق کاستن انواع کارکردهایی که خانواده در گذشته عهده دار بود، مهم ترین تأثیر را بر نهاد خانواده گذاشته است. (۶). بسیاری را عقیده بر این است که جامعه جدید شهری و صنعتی از نظر ساختاری، طلاق زاست و در چنین جامعه ای، تحرک جغرافیایی به اوج خود میرسد، ثبات روابط رو به کاستی می‌گذارد و ارتباطات انسانی آسیب پذیر می‌شود. در نتیجه صنعت جدید - فی نفسه - سستی خانواده را موجب می‌شود. (۷).

در موضوع آسیب‌های اجتماعی و پرسش‌های مربوط به آن فقه اسلامی پاسخگوی نیازهای بشر در تمام اعصار میباشد و پاسخ به این پرسش‌ها را وظیفه خود میداند.

از آنجا که در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از بنای ازدواج نیست، بنابر این، حفظ کيان خانواده و تعالی آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. دین مبین اسلام به همان اندازه که به موضوع ازدواج تأکید دارد، به همان اندازه طلاق را امری ناپسند و مذموم میداند و از آن به عنوان امری که غضب خداوند را به همراه خواهد داشت، یاد کرده است. در روایات متعددی از معصومین (علیهم السلام) به مبعوض بودن پدیده طلاق اشاره گردیده است. امام صادق

و اعتقادی، میتواند تا حدود زیادی باورها و اعتقادات زوجین را ارتقاء بخشد و از این طریق نقش فعالی در استواری خانواده و پیشگیری از وقوع طلاق بازی کند. همچنین در صورت عدم ارتقاء سواد رسانه‌ای و استفاده نادرست از فضای مجازی، در صورت القاء شبهات دینی و نفوذ فرهنگ بیگانه مبتنی بر بی بند و باری جنسی و ترویج بی حیایی و بی عفتی که در تعارض با تعالیم دینی میباشد، نابودی بنیان خانواده را نشانه می‌گیرد کانون خانواده که رکن اساسی جامعه است به خطر افتاده و در ورطه نابودی و از هم گسیختگی قرار خواهد گرفت.

قرآن کریم در آیات متعددی به مومنین دستور به وفای به عهد، وفاداری و همچنین حفظ پیمان زناشویی و الزامات آن میدهد. خداوند در آیه ۲۱ سوره مبارکه نساء میفرماید: «أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» «و زنان از شما (به هنگام عقد) پیمان محکمی گرفته‌اند». بیانگر این نکته است که خداوند متعال پیوند زناشویی را پیمانی محکم و وثیق بر شمرده است و مومنین را به حفظ این پیمان و عهد سفارش کرده است.

یکی دیگر از عوامل موثر در استحکام خانواده، یاد خدا است. زیرا یاد خدا انسان را از گرفتار آمدن در دام‌های شیطانی و هواهای نفسانی در امان میدارد. نزاع و اختلافات که در خانواده امری طبیعی است معرکه حضور شیطان و نقش آفرینی او و هواهای نفسانی است و یاد خدا در این میدانگاه پر مخاطره میتواند افق عقلانیت را افزون و مانع نفوذ شیطان بر فضای خانواده و تصمیمات عجولانه گردد. سوره (طلاق) مشتمل بر ۱۲ آیه است، ولی لفظ (الله) در آن ۲۵ بار تکرار شده است که به طور نسبی از تمام سوره‌های قرآن (به جز دو سوره کوچک «توحید» و «نصر») بیشتر است. این امر به علت اهمیت به یاد داشتن خداوند متعال در روابط میان همسران در شرایطی است که بستر زور گوئی و ظلم فراهم است. (۱۰) اگر زوجین خود را در محضر خداوند متعال بدانند، روابط خود را بر محور خواست او تنظیم میکنند و در زمان دشواری‌ها و شرایط سخت زندگی و در زمان بروز اختلافات مهار نفس و خشم خود را به دست گرفته و این امر مانع فروپاشی خانواده می‌شود.

از مهم ترین اصول موفقیت زن و مرد در زندگی مشترک، توجه به مسائل عاطفی یکدیگر است. این امر نیز حاصل نمیشود، مگر با خوش اخلاقی و مهر ورزی به همسر و فرزندان، اما اگر هر دو نفر (زن و مرد) یا یکی از آنان، بد اخلاق باشند، زندگی رنگ جدایی به خود می‌گیرد. توجه به این امر بسیار مهم است که اخلاق باید پس از ایمان، از مهم ترین ویژگی‌های افراد برای ازدواج باشد. زن و مرد اگر از این مزیت بهره نداشته باشند، نمیتوانند با تعامل، تفاهم و همکاری متقابل بر مشکلات زندگی چیره شوند. امروزه سست شدن باورهای مذهبی و اصول اخلاقی، یکی از عواملی است که بنیاد

(ع) در حدیثی میفرماید: ((ما من شيء مما أحله الله عز وجل أبغض إليه من الطلاق، وإن الله يبغض المطلق الذواق)). (۸) از چیزهایی که خداوند عز و جل حلال فرموده هیچ چیز نزد او منفورتر از طلاق نیست. خداوند مردی را که زن زیاد طلاق می دهد و پیوسته تغییر همسر می دهد دشمن می‌دارد؛ پیامبر اکرم (ص) میفرماید: ((تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ)). (۹) زن بگیرد و گرد جدایی نگردد زیرا عرش از این جدایی می‌لرزد.

با مذاقه و مطالعه در منابع دینی میتوان به تعالیمی دست یافت که توجه بدانها میتواند تا حدود زیادی از وقوع طلاق پیشگیری و به کنترل این پدیده کمک کند. با توجه به اینکه شاهد وقوع روزافزون پدیده طلاق در کشور ایران هستیم لازم است علل و انگیزه‌های طلاق شناسایی و به راهکارهایی که برای پیشگیری، کنترل و یا کاهش آن، در منابع فقهی آمده توجه کرده و تلاش در جهت پیاده سازی آنها صورت گیرد.

۱-۱. تقویت باورها و اعتقادات دینی

کارشناسان و صاحب نظران بر این باورند که ترویج و تعمیق آموزه‌ها و باورهای دینی و اخلاقی، نقش موثری در قوام بنیان خانواده‌ها ایفا و به تحکیم روابط خانوادگی کمک می‌کند و زمینه را برای کاهش میزان طلاق و اختلافات خانوادگی فراهم می‌آورد. برخی اندیشمندان غربی به نقش دین به عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق ادعان کرده و بیان می‌دارند: ((آنان که ایمان مذهبی دارند کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. بی هیچ شبهه، علت این امر آن است که معمولاً در لوای دین و اعتقادات مذهبی طلاق بُعدی اخلاقی می‌پذیرد. ایمان، به تداوم حیات خانواده کمک می‌کند))^۱ (۷). سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد سلامت، نشان دهنده تجربه معنوی انسان در زندگی در ارتباط با یک قدرت بالاتر و برتر است. این موضوع بالاخص با توجه به اقتضائات زندگی در عصر جدید، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. یکی از این اقتضائات، موضوع فناوری‌های نوین و از جمله اینترنت و فضای مجازی میباشد. امروزه با افزایش بستر و زمینه دسترسی افراد جامعه به اینترنت، شاهد نوع دیگری از ارتباطات فردی و اجتماعی افراد با یکدیگر با عنوان فضای مجازی هستیم. استفاده از فضای مجازی دارای معایب و مزایایی است که اگر فرهنگ استفاده صحیح و درست آن تبیین شود، از آن میتوان به انحاء مختلف سود و بهره برد و اگر فرهنگ و سواد استفاده از آن آموزش داده نشود، قطعاً آسیب‌های آن دامن گیر فرد و جامعه خواهد شد.

در خصوص این موضوع فضای مجازی میتواند به دو صورت مثبت (فعال) منفی (منفعلانه) عمل نماید. از یک طرف با افزایش آموزه‌های دینی در بستر فضای مجازی و پر رنگ کردن مفاهیم دینی

¹-Udry. R. Social control of marriage. Newyork. 1971. P. 456.

خانواده را تهدید می‌کند. طبق آمارهای موجود «کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی و عدم پایبندی بایسته‌های اخلاقی، عامل مهم طلاق است، اما دین داری، سبب می‌شود که طلاق کاهش یابد» (به نقل از خبرگزاری رسمی حوزه، ۱۳۹۹)؛ از سوی دیگر پایبندی به موازین دینی و اخلاقی باعث انسجام خانواده می‌شود. همسران دین دار در صورت برخورد با مشکلاتی مانند فقر و ناسازگاری‌های خانوادگی دچار یاس نمی‌شوند، بلکه دل به وعده‌های الهی خوش می‌دارند و با حلاوت ایمان و یاد خدا، تلخی‌های زندگی را به شیرینی بدل می‌سازند. (۱۱)، همچنین آراستگی‌های زوجین به ویژگی‌های اخلاقی ارزشمندی مانند صداقت، وفاداری و احترام، مهربانی، دلسوزی فروتنی، صبر، گذشت، نرمخوبی، خیرخواهی، انصاف و مبرا بودن آنان از خودخواهی، برتری جویی، موجب می‌شود بسیاری از بدرفتاری‌ها و اختلافات از ساحت خانواده رخت بربند (۱۲).

۱-۱-۱. نقش حجاب در کاهش میزان طلاق

حجاب به عنوان یک ضرورت دینی دارای کارکردهای مثبت چندگانه است. حجاب نقش مهمی در کاهش آمار طلاق دارد. مهمترین فایده حجاب استحکام خانواده و ایجاد آرامش و تقرب الهی است. بدون تردید عدم رعایت عفاف و حجاب، طلاق و جدایی زن و شوهر و ازهم پاشیدگی نظام خانواده را در پی خواهد داشت. وقتی خودنمایی، آرایش و تحریک جنسی در جامعه‌ای رواج پیدا کند، روابط جنسی به خارج از محیط خانواده کشیده خواهد شد. هرگاه زنان با ظاهری فریبنده و بدن نما در جامعه ظاهر شوند، مردان عادی با چشم چرانی و مشاهده زیبایی‌های ظاهری و مقایسه همسران خویش با این زنان، دچار نوعی بی رغبتی، کاهش محبت، بهانه گیری، عیب جویی، تحقیر و بی احترامی به همسر خویش می‌شوند و در نهایت، این اختلافات به طلاق و جدایی منجر می‌شود. (۱۳). حجاب باعث حفظ آرامش روانی در جامعه می‌شود. در صورت رعایت عفت و حجاب در بُعد فردی و اجتماعی و محدود شدن روابط و تمایلات جنسی به محیط خانواده، بی شک خانواده دارای ثبات و قوام بیشتری خواهد شد و از این رهگذر، منفعت بیشتری عاید زنان خواهد شد؛ زیرا از محبت، علاقه و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند شد. در جامعه‌ای که بی عفتی رواج داشته باشد، افراد نسبت به یکدیگر بی اعتماد می‌شوند. زیرا هر یک احتمال خیانت و بی وفایی نسبت به دیگری می‌دهد. (۱۳)؛ حضرت علی (ع) نیز در حدیثی می‌فرماید: ((الْعَفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ)) (پاک دامنی، پایه همه خوبی‌هاست (۱۴))؛ و نیز در فرمایش دیگر از حضرت علی (ع) آمده است: ((علیک بالعفاف، فانّه افضل شیم الاشراف))، بر تو باد به عفاف ورزیدن که برترین خصلت‌ها برای مردمان شریف است. (۱۴).

۱-۲. اهمیت دادن به نیازهای جنسی زوجین

یکی از حقوق مهم و بنیادی زوجین، نیاز جنسی می‌باشد. نیاز جنسی، نیازی زیستی است که فرد را به ایجاد رابطه جنسی علاقه مند می‌کند. بر اساس نظریه مازلو، نیاز جنسی، نیاز فیزیولوژیک نخستین و اساسی ارگانسیم است که بالاترین فشار را به فرد وارد می‌کند (۱۵). این حق تحت عناوینی مانند حق هم خوابگی، حق آمیزش و... در فقه مورد تاکید و شناسایی قرار گرفته است. دین مبین اسلام به حقوق جنسی زوجین اهمیت داده است. دین اسلام نیاز جنسی زوجین را یک نیاز واقعی و عینی دانسته است که میبایست در سایه نکاح برآورده شود. یکی از مهم ترین علل شیوع طلاق، مشکلات جنسی زوجین می‌باشد. سلامت یا اختلال در روابط جنسی زن و شوهر، بر عملکرد فردی و اجتماعی آنها اثربخش بوده و میتواند در ایجاد یا فقدان حس کامیابی و نشاط نقش مهمی ایفا کند. از نظر فردی، ناکامی جنسی در زنان، افزون بر ایجاد حس ناخوشایند و آزرده‌گیهای جسمی، منجر به سرخوردگی، غم، گریه، پرخاشگری و عدم علاقه به رابطه جنسی بعدی می‌شود و به سلامت روانی زن و شوهر نیز آسیب میرساند و خانواده را در معرض فروپاشی و طلاق قرار میدهد. (۱۶)، با مراجعه به فقه اسلامی میتوان، راهکارهایی را در جهت پیشگیری از وقوع پدیده طلاق در موضوع اختلال جنسی زوجین شناسایی و ارائه کرد. از جمله این راهکارها الزام به درمان بیماری اختلال جنسی توسط همسر می‌باشد. گرچه در منابع فقهی اشاره صریحی به این موضوع نشده است، اما میتوان با استفاده از ظرفیت‌های فقه، اصول و حقوق موضوعه مانند مقدمه واجب، اصل وجوب نهی از منکر و... چنین الزامی را در قالب وضع مواد قانونی ایجاد کرد. همچنین در فقه، موضوعاتی تحت عنوان حق قَسَم، ظهار، ایلاء، عنن، قرن، جذام، برص و... مطرح شده است که همگی این موضوعات نشان دهنده این است که اسلام برای حقوق جنسی زوجین اهمیت قائل است و عدم اهمیت و توجه به آنها و برآورده نشدن و پاسخ ندادن به این نیازها منجر به فروپاشی خانواده می‌شود. به طور مثال در موضوع حق قَسَم، وضع چنین حقی، نشان دهنده توجه اسلام به نیازهای عاطفی زوجه است. همچنین وضع احکام عده در دین اسلام و اینکه در دوران عده زن باید در منزل مشترک بماند و خارج نشود و مرد نفقه او را تامین کند و حمایت مالی داشته باشد، همگی نشانگر تلاش برای ایجاد آشتی و جلوگیری از انحلال نکاح و پیشگیری از طلاق است.

۱-۳. تاثیر حکمیت و داوری در پیشگیری از طلاق در زمان بروز اختلاف میان زوجین:

یکی از مهم ترین راهکارهایی که در فقه اسلام به منظور حل و فصل اختلافات خانوادگی و پیشگیری از نابودی کانون خانواده‌ها پیش بینی شده است، موضوع حکمیت و داوری در زمان بروز اختلاف بین زوجین می‌باشد. تعبیری که فقه اسلام درباره اختلاف بین زوجین دارد، «شقاق» است. ارجاع به داوری و حکمیت در زمان

۱- خبرگزاری رسمی حوزه، ۸ دی ۹۳، کد خبر: ۳۴۱۶۳۷.

لذا ریشه کردن فقر از جامعه را یکی از اهداف اصلی خود قرار داده است. به گونه‌ای که قرآن کریم فقر را یکی از اسلحه‌های شیطان معرفی کرده است.^۱ دقت در محتوای روایاتی که در خصوص این موضوع از معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) بیان گردیده، نشانگر آن است که موضوع فقر تا چه میزان در کجروی‌ها نقش اساسی دارد.

حضرت علی (ع) به فرزندشان محمد حنفیه فرمودند: ((ای فرزندم، من از تهیدستی بر تو هراسانم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی است.))^۲ (۱۷)؛ همچنین در حدیث دیگری میفرمایند: ((فقر، مرگ بزرگ تر است))^۳، (جعفری، ۱۳۵۹: حکمت ۱۶۳).

تأثیر عوامل اقتصادی بر طلاق را میتوان به دو صورت تبیین کرد: عوامل اقتصادی از یکسو میتواند ارزش فعلی تنزیل یافته ازدواج را نسبت به طلاق برای زوجین به یک میزان کاهش (افزایش) دهد. برای مثال اگر رکود یا رونق اقتصادی به افزایش درگیری‌ها و فشار روانی زناشویی منجر شود، ارزش نسبی ازدواج برای تمامی زوجین کاهش خواهد یافت و این کاهش برای برخی زوجین به اندازه ای است که میتواند منجر به طلاق شود. از طرفی دیگر رونق اقتصادی ممکن است به طور موقت فرصت های بازار کار را برای زنان افزایش دهد و این موضوع باعث افزایش ارزش طلاق برای زنان شده و میزان طلاق افزایش یابد. تا زمانی که عدم تجانس در ارزش اولیه ازدواج بین افراد وجود دارد، حتی اگر تکانه اقتصادی، کیفیت زندگی را برای همه به یک میزان تغییر دهد، باز هم زوج‌هایی خواهند بود که با این تکانه، ارزش ازدواجشان به قدری کم خواهد شد که تصمیم به طلاق خواهند گرفت. راه دیگری که نوسانات اقتصادی ممکن است ارزش زندگی های زناشویی را تغییر دهد این است که عوامل اقتصادی، میانگین ارزش ازدواج را تغییر ندهد بلکه برپراکنندگی کیفیت زندگی زوجین در جامعه تأثیر بگذارد. برای مثال اگر رونق اقتصادی به افزایش نابرابری دستمزدها در میان مردان منجر شود، در صورتی که یک مرد حقوق بالایی را دریافت کند، موجب می‌شود که ارزش ادامه زندگی زناشویی (به ویژه برای همسر) افزایش یابد. اما برای مردانی که دستمزدشان در سطوح پایینی قرار دارد، رونق موجب کاهش ارزش ازدواج می‌شود (به ویژه برای زنانی که در بازار کار مشارکت نمیکنند).

پدیده طلاق با بیکاری رابطه مستقیم و تنگاتنگی دارد. میتوان گفت که یکی از پیامدهای مشکلات اقتصادی، وقوع پدیده طلاق است. و در مقابل اشتغال، در پایداری و استمرار زندگی مشترک خانواده‌ها تأثیر مستقیم و مثبت دارد. با سر و سامان دادن به فضای کسب و

بروز اختلافات میان زوجین و تأثیر آن بر پیشگیری از طلاق مورد تأکید قرآن کریم در سوره نساء قرار گرفته است. پیش بینی نهاد دآوری در زمان بروز اختلاف میان زوجین در قرآن کریم، نشان دهنده این است که از نگاه اسلام موضوع پیشگیری از طلاق و حفظ کانون خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. موضوع حکمیت و دآوری میتواند مانعی باشد که از ورود لطمه به حیثیت و قداست خانواده و اعضای آن جلوگیری کند. یکی از ایراداتی که در خصوص دآوری میتوان مطرح کرد این است که این نهاد تبدیل به یک موضوع صوری و ظاهری شده است. همچنین افرادی که به عنوان داور انتخاب می‌شوند، غالباً فاقد تخصص‌ها و مهارت‌های لازم در این زمینه هستند. پیامد این معضل، عدم کارایی مورد انتظار از نهاد دآوری میباشد، در صورتی که اگر دستگاه‌های متولی امر، سازو کارهای دقیقی را در قالب استفاده از متخصصین علوم مختلف از جمله روانشناسی، مشاور خانواده و... را در خصوص نهاد دآوری وضع نمایند، تأثیرات چشم‌گیری در حل اختلافات زوجین خواهد داشت. یکی دیگر از ندهایی که میتوان به قانون فعلی دآوری وارد کرد، این است که این نهاد صرفاً در موضوع طلاق کاربرد پیدا میکند و در سایر دعاوی خانوادگی مانند مهریه، نفقه و... به کار برده نمیشود. زمان ارجاع به دآوری نیز مبیاست به گونه‌ای باشد که قبل از ریشه دار شدن اختلافات، موضوع به داوران ارجاع داده شود. دآوری در قرآن با نگاه پیشگیرانه است، اما در رویه فعلی، زمان ارجاع به دآوری به گونه‌ای است که با هدف قرآن کریم همخوانی ندارد و مبیاست زمان ارجاع آن به داوران قبل از ریشه دار شدن اختلافات باشد. پیشنهاد می‌گردد نهادهای دآوری به صورت تخصصی تر تشکیل گردد به گونه‌ای که در کنار داوران منتخب زوجین، الزاماً کارشناسانی با صلاحیت‌های مقتضی از جمله روانشناس، مشاور خانواده، مشاور دینی، مشاور فرهنگی، مشاور حقوقی و... حضور داشته باشند و بدون اظهار نظر آنان، نظر نهایی داوران منتخب زوجین فاقد وجاهت قانونی شناخته شود.

۱-۴. تقویت اقتصاد و معیشت خانواده‌ها

اوضاع مناسب اقتصادی جامعه، در تنظیم و تعدیل روابط خانواده از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فقر مشکلات معیشتی و اقتصادی را میتوان به عنوان یکی از مهم ترین علل وقوع طلاق نام برد. عدم بضاعت مالی مکفی و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری زوجه و فرزندان زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی‌های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوای طلبی را در خانواده فراهم می‌سازد. دین مبین اسلام فقر را یکی از آسیب‌های بزرگ برای افراد و حتی موثر در نابودی جامعه میدانند.

۱ - (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ) شیطان، شما را [به هنگام اتفاق مال با ارزش] از تهیدستی و فقر می‌ترساند، و شما را به کار زشت [چون بخل و خودداری از زکات و صدقات] امر می‌کند

۲ - وَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): لَأَبِيهِ مُحَمَّدٍ ابْنِ الْحَنَفِيَّةِ: يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ. «نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹»

۳ - وَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): الْفَقْرُ، الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ. «نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳»

کلی قرار می‌گیرند که از جمله آنها عبارتند از ایمان و معنویت، ارزش‌های اخلاقی، موضوعات اقتصادی، ویژگی‌های اجتماعی و... با مطالعه در منابع دینی و فقهی میتوان شاخصه‌هایی را برای کفویت زوجین شناسایی کرد. از جمله این شاخصه‌ها برای مردی که لایق همسری برای یک زن میباشد عبارتند از: بخیل نبودن و گشاده دستی، مدیر و مقتدر، تلاشگر در جهت کسب روزی و معاش حلال، محبت به زن و دوست داشتن او، مدارا گر و صیانت جو از همسر خویش و... و شاخصه‌ها و صفات زنی که لایق همسری یک مرد هستند نیز عبارتند از: شایستگی‌های جسمی و روحی، روحیه گذشت و مدارا، قانع و میانه رو در اقتصاد، نداشتن مهریه سنگین و...

همچنین برخی از شاخص‌های همسر نامناسب عبارتند از: ازدواج با فاسق، شارب الخمر، مرد نادان و نیز زن نادان و یا دیوانه، ازدواج با فرد بد اخلاق و...

یکی از مشکلات رایج میان دختران و پسران جوان، ملاک‌های نادرست در انتخاب همسر مناسب میباشد. در واقع، فقدان آگاهی‌های لازم درباره ازدواج، غلبه عواطف بر قوه عاقله و یا تحمیل همسر توسط خانواده، موجب می‌شود که دختر و پسر در انتخاب همسر مناسب دچار اشتباه شوند و در شرایطی با همدیگر ازدواج کنند که از «کفویت» که از نظر اسلام پایه و اساس هر ازدواجی را تشکیل میدهد، برخوردار نباشند. برخلاف تصور رایج، کفویت تنها همسانی در کلاس اجتماعی، درجه رفاه، شکل و یا ظاهر و یا سطح و رشته تحصیلاتی نیست، بلکه مهم تر از این‌ها، قربت دختر و پسر از جهت فکری و عقیدتی و به تبع آن، ارزشی است. در واقع اگر دختر و پسر بعد از ازدواج متوجه بشوند که نگاه آنها با یکدیگر در تعارض است به طور طبیعی بعد از مدت کوتاهی این تعارض، زندگی آنها را به بن بست می‌کشاند. (۴)

نتیجه اینکه یکی از مهم ترین شاخصه‌هایی که در موضوع ازدواج و پیشگیری از طلاق نقش موثر و قابل توجهی ایفا میکند، انتخاب مناسب و توجه به ارزشهای اصیل است به جای توجه به ملاکهای پوшالی مانند زیبایی ثروت شهرت و است.

۱-۶. آموزش سبک زندگی اسلامی

آموزش سبک زندگی ایرانی، اسلامی باعث کاهش طلاق و افزایش سلامت معنوی زوجین می‌شود. نتیجه تحقیقات محققین حوزه‌های علوم روانشناسی، دین شناسی و جامعه شناسی حکایت از این دارد که بین کاهش آمار وقوع طلاق و آموزش سبک زندگی ایرانی اسلامی رابطه محسوس و معنا داری وجود دارد.

سبک زندگی عبارت است از: «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند» (۲۱)، به دیگر تعبیر بر اساس ادبیات موجود، ابعاد سبک زندگی شامل موارد زیر است: «عقاید، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های اجتماعی،

کار و اهمیت به رشد اقتصادی کشور، میتوان آثار این اقدامات را به وضوح در حفظ و استحکام زندگی مشترک زوجین و کاهش وقوع طلاق مشاهده کرد. شکی نیست که بهبود فضای کسب و کار و اقتصاد پویا، منوط به ایجاد اشتغال پایدار میباشد.

بدون تردید تورم آثار منفی بر تداوم زندگی مشترک در خانواده‌ها دارد. پس دولت و دستگاه‌های متولی میبایست در جهت کنترل و کاهش تورم تلاش نموده تا به حفظ زندگی مشترک و بقای خانواده‌ها کمک شود.

۱-۵. انتخاب شایسته در مرحله گزینش همسر

یکی از مهم ترین مراحل زندگی هر فرد، انتخاب همسر است. انتخاب همسر موضوعی سرنوشت ساز در جهت تحقق هدف ازدواج موفق محسوب می‌شود. افزایش آمار طلاق حاکی از این است که در سال‌های ابتدایی زندگی مشترک زوجین، در بین آنان در مسائل گوناگون از جمله امور مربوط به انتخاب همسر نقص وجود دارد. الفاظ: کفو، کفا، کفو، کفایت در بر دارنده این معانی است: «همتا، هم زی، هم جنس، هم نسب، هم شأن، هم سنگ، هم دوش، برابر و همسر» (۱۸)؛ یکی از محققین، ریشه معنای کفو را مماثلت در صفات و خصوصیات می‌داند. (۱۹).

واژه و اصطلاح «کفویت» یکی از عنوان‌های عرفی و اجتماعی است که در فقه به کار رفته است. این بکارگیری نشان دهنده بار ارزشی و توجه به زیر ساخت‌های اعتقادی در فرهنگ عمومی میباشد. لذا نمیتوان بدون توجه به باورها و ساختارهای فرهنگی و اخلاقی تعریفی از آن ارائه نمود. واژه «کفویت» در اسلام، معادل و برابر با اصل همسان همسری میباشد و یکی از معیارهای انتخاب همسر و ضامن بقا و انسجام کانون خانواده میباشد. امروزه یکی از علل بسیاری از طلاق‌ها، عدم کفویت زوجین میباشد.

هدف کفایت، بیان این امر است که برای انتخاب همسر مطلوب، چه ملاک‌هایی را باید مورد توجه قرار داد تا در پرتو آن، سلامت، صیانت و آرام بخشی محیط خانواده تضمین گردد و موجبات بروز ناملایمات، تنش‌ها و مشکلات گوناگون فراهم نشود و کانون خانواده، که بستر مهر، عاطفه و گرمی است، به سردی، خصومت و کینه، واژگون نگردد. (۱۸)؛

شخصی از محضر مبارک رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال نمود: با چه کسی ازدواج کنم؟ فرمودند: «با هم کفوها!» و پرسید: آن‌ها چه کسانی هستند؟ حضرت، دو بار فرمودند: «مؤمنان، برخی هم کفو یکدیگرند.» (۲۰)؛ امام صادق (ع) نیز در حدیثی میفرماید: «همتا و هم شأن، به این است که فرد، پاک دامن باشد و زندگی با او، همراه با آسایش باشد.» (۲۰)

دین مبین اسلام، که تضمین گر سعادت دنیوی و اخروی انسان است، در موضوع انتخاب همسر معیارهایی را ارائه کرده است که با در نظر گرفتن این معیارها، میتوان به هدف تشکیل زندگی مطلوب دست یافت. معیارهای انتخاب همسر در اسلام تحت چند عنوان

و پیاده نمودن سبک زندگی اسلامی، فرد در مسیر و نقشه راه ترسیم شده الهی از پیش تعیین شده قرار خواهد گرفت و بالتبع از پیامدهای تصمیم‌های آنی منفی ناشی از نداشتن الگوی زندگی زناشویی مصون می‌ماند و نتیجه آن رضایت زناشویی و کاهش وقوع طلاق خواهد بود. نداشتن ایمان و اعتقاد به خدا موجب نا آرامی، تشویش و اضطراب در فرد شده و همین موضوع باعث ایجاد ضعف و بوجود آورنده اختلاف‌های بسیاری در زندگی زناشویی می‌شود. این موضوع در قرآن کریم نیز یادآوری شده است. خداوند در قرآن کریم میفرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)، همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.^۱ از دیدگاه اسلام بهترین درمان و مداوا برای نا آرامی، تشویش، اضطراب و افسردگی، یاد، ایمان و توکل به خدا، صبر و تحمل است. دین و مذهب دارای تعالیمی است که این تعالیم، دستور العمل‌هایی کلی را در اختیار بشر قرار می‌دهد و اگر انسان‌ها به آن تعالیم عمل کنند به استحکام و تقویت بنیان خانواده‌ها خواهد انجامید. تاثیر پذیری زندگی زناشویی زوجین از مذهب، بدین شکل است که آنان به ازدواج به عنوان مسئولیتی دائمی و مهر و رزوی به یکدیگر و فراهم نمودن زمینه‌های آرامش یکدیگر نگاه میکنند و پایبندی و تعهد به همسر را بر مبنای دین و مذهب تفسیر می‌نمایند. نمونه‌هایی از سبک زندگی اسلامی و اوصافی که در زوجین می‌تواند تا حدود زیادی باعث پیشگیری از وقوع پدیده طلاق گردد عبارتند از: خوش بینی و دوری از بدگمانی که خوش بینی عاملی است که مانع اندوه، نگرانی و بیماری زوجین می‌شود (حضرت علی (ع) در حدیثی میفرماید: (لَا يَغْلِبَنَّ عَلَيْكَ سَوْأُ الظَّنِّ فَإِنَّهُ لَا يَدْعُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحًا)؛ هیچ‌وقت به سوء ظن و بدگمانی گرفتار مشو و آلا با هیچ دوست و رفیقی جای آشتی برایت نخواهد گذاشت (۲۳) و در حدیث دیگری میفرماید: (آدم بدبین همیشه بیمار است) (۲۴)؛ داشتن افکار مثبت به یکدیگر، توجه نسبت به عدالت خداوند در موضوع پاداش انجام وظایف زناشویی، داشتن روحیه قناعت، روحیه شکر گذاری از خداوند و تشکر از یکدیگر (در تعالیم دین اسلام، تشکر از دیگران، تشکر از خدا قلمداد شده است و کسی که از دیگران تشکر نکند، درحقیقت از خدا تشکر نکرده است. رسول اکرم (ص) در حدیثی میفرماید: (من لم يشكر الناس لم يشكر الله)) کسی که از انسانها تشکر نکند، از خدا تشکر نکرده است (۲۵)، روحیه مشورت در زمان بوجود آمدن اختلافات و توکل بخدا در زمان تصمیم گیری در موضوعات سخت زندگی زناشویی، متصف شدن به صفت صبر در زمان بروز مشکلات و سختی‌های زندگی زناشویی که معنای دیگر آن، افزایش آستانه تحمل نیز میباشد (صبر، تحمل و مدارا، سرمایه گرانبهایی در زندگی آدمی است که همچون کیمیا، ناخوشیها را به خوشی تبدیل می‌کند و امنیت و آرامش را برای انسان به

استفاده از کالاها، خدمات و شیوه‌های به کارگیری آنها به‌ویژه موسیقی و رسانه، الگوی تغذیه، الگوی بدن، آرایش، ورزش، بهداشت سلامت، الگوی گذراندن اوقات فراغت و بازی و تفریح، الگوی پوشش، شیوه تعاملات و روابط اجتماعی، آداب معاشرت، شیوه گفتار و ادبیات، رفتار محیط‌زیستی، شیوه هویت‌سازی و چگونگی معرفی خود، الگوی ازدواج و همسرگزینی، روابط زناشویی و روش‌های تربیتی، کیفیت مشارکت‌های اجتماعی و مدنی، دارایی‌های فرهنگی (کتاب، انائیه، تزئین‌های منزل و...) و علایق هنری.

سبک زندگی دینی، سبک و روشی است که در آن، دین در حوزه رفتار شخص تجلی و تبلور و انعکاس می‌یابد و هرچه میزان و مقدار این تجلی، جلوه بیشتری پیدا کند، فرد دین دار تر محسوب و سبک زندگی او دینی تر است. سبک زندگی از جمله مفاهیم وارداتی غربی میباشد که لازم است این مفهوم بومی سازی شود. به نظر میرسد واژه سبک زندگی با واژگان «سیره، هویت، مهارت‌های زندگی و...» در کشور ما در ارتباط است، هر چند از نظر ماهوی با این امور متفاوت است. با مطالعه در منابع دینی و بالاخص آیات قرآن کریم به این مطلب پی می‌بریم که از مهم ترین معیارها و شاخص‌های اساسی سبک زندگی اسلامی و قرآنی ایمان و عمل صالح میباشد. بحث سبک زندگی در دین مبین اسلام از سابقه ۱۴۰۰ ساله برخوردار میباشد. از واژه سبک زندگی با نام‌های مختلفی در دین اسلام یاد شده است. نمونه‌هایی از این واژه را در روایات پیامبر اکرم (ص) و معصومین (علیهم السلام) با موضوع زندگی با سعادت، زندگی صالحانه میتوان مشاهده کرد. یکی از این نمونه‌ها خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه است. در چندین فراز از این خطبه سبک زندگی متقین تبیین شده است. اوصافی چون سخن صواب، میانه روی در پوشش، رفتار و منش متواضعانه، چشم بستن بر حرام‌ها، گوش سپردن به سخنان سودمند و... از جمله این صفات است. (۲۲).

بنابر این سبک زندگی اسلامی زوجین تاثیر مستقیم و معنا دار بر رضایت زناشویی آنان دارد. با این استدلال که آموزه‌های دین اسلام شامل جنبه‌ها و حوزه‌های مختلف زندگی میباشد. دین اسلام در هر یک از جنبه‌های مختلف زندگی انسان دستورات، توصیه، و راهکارهای متعددی برای زندگی هر چه بهتر و سالم تر ارائه نموده است. دین مبین اسلام سبک زندگی معصومین (علیهم السلام) و پیامبر اکرم (ص) را الگوی بشریت قرار داده و دستور العمل‌ها و رهنمودهای زیادی درباره شیوه‌هایی که اعضای خانواده میبایست بر مبنای آن با یکدیگر رفتار کنند را ارائه داده است و در ضمن ارائه این دستور العمل‌ها، نتیجه و پاداش دنیوی و اخروی عمل به آنها را جهت ایجاد انگیزه بیشتر در اجرای آن برای زوجین گوشزد نموده است. بنابر این محصول پیوند بین باورها و اعتقادات دینی و نیازهای زندگی زناشویی زوجین، ایجاد تعهد معنوی و درونی نسبت به انجام وظایف زندگی زناشویی زوجین است. با انجام دستور العمل‌های دینی

^۱ - قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۲۸

ارمغان می آورد، کنترل خشم و عصبانیت، گذشت و چشم پوشی زوجین از اشتباهات یکدیگر، پرهیز از تحقیر یکدیگر، تلاش و کوشش در کسب روزی حلال، پرهیز از بغض و کینه به یکدیگر (حضرت علی (ع) در حدیثی میفرماید: «دلایتان را از بغض و کینه پاکیزه کنید. کینه‌های درونی همانند «وبا» یک بیماری کشنده است» (۲۴)، صداقت و راستی در زندگی زناشویی، معاشرت زوجین با افراد صالح و دوری از دوستی و معاشرت با افراد ناصالح، کنترل و حفظ زبان و پرهیز از بکاربردن الفاظ رکیک و ناپسند بر علیه یکدیگر، تعیین مهریه متعادل و مناسب (حضرت علی (ع) در حدیثی میفرماید: لا تُغَالُوا بِمَهْرٍ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً. مهریه زنها را بیشتر نکنید که موجب کدورت و دشمنی می‌گردد.) (۲۶)؛ راز داری زوجین نسبت به اسرار یکدیگر.

یکی از عواملی که باعث استحکام بنیان خانواده‌ها می‌شود، توجه به ارتباط کلامی است. در آموزه‌های دین مبین اسلام نیز، ابراز و اظهار محبت و الفت میان زوجین، باعث تقویت بنیان خانواده و استحکام آن دانسته شده است. ابراز عواطف، احساسات، بیان کلمات دلنشین و سخنان شایسته و محبت آمیز به همسر، باعث جذب او می‌شود. به گونه‌ای که به طور ناخواسته، احساس رضایت خواهد نمود و سبب ایجاد حس محبت می‌شود. بیان ملاطفت آمیز و خطاب‌های محبت انگیز، روح مخاطب را تحت تاثیر قرار میدهد. الفاظ و عبارات عاطفی، گاهی آن قدر در جان و روح همسر، تاثیر گذار است که چه بسا تا پایان عمر، به فراموشی سپرده نشود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا احببت رجلاً فاحبره بذلک فانه اثبت للموده بینکما» هرگاه شخصی را دوست داشتی، دوستی خود را به او اعلام کن، زیرا این عمل انس و الفت را بین شما پایدارتر می‌کند. (۸) توجه به مسائل روحی، عاطفی و اهتمام به حل مشکلات زوجین، باعث ایجاد عشق و محبت بین آنان می‌شود. انسان‌ها، ذاتاً و فطرتاً تشنه دوستی و محبت هستند. یکی از عوامل اصلی ایجاد انگیزه برای تلاش، زحمت و تحمل سختی‌های طاقت فرسای زندگی، محبت و دوستی بین زوجین میباشد. وجود محبت در زندگی زناشویی انگیزه مضاعفی را برای زوجین ایجاد کرده تا در مقابل سختی‌ها مقاومت بیشتری به خرج داده و وجود این محبت آنها را به فعالیت و کسب معاش ترغیب میکند. یکی از شکایتهایی که همسران از یکدیگر دارند، عدم توجه و عدم ابراز محبت و علاقه کافی از طرف مقابل است. یکی از علل اصلی افزایش نرخ طلاق موضوع طلاق عاطفی است. چرا که ریشه و مبنای طلاق رسمی، طلاق عاطفی است.

همچنین آسیب‌های اجتماعی ناشی از طلاق عاطفی به مراتب بیشتر از طلاق رسمی است. در طلاق عاطفی، همسران زیر یک سقف زندگی می‌کنند درحالی که ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت هستند و هیچ مهر و عاطفه ای بین آنها حاکم نیست. (۲۷) زمانی که زوجین نسبت به یکدیگر ابراز عشق، محبت و علاقه داشته باشند، طبعاً خانواده از استحکام بیشتری برخوردار خواهد شد، چرا که نتیجه این ابراز عشق و محبت،

وابستگی عاطفی بیشتر زوجین به یکدیگر و عدم تمایل و وابستگی آنان به شخص دیگری که تهدیدی برای استواری خانواده محسوب می‌شود؛ خواهد بود. امام صادق (ع) در حدیثی میفرماید: «ولا غنی بالزوجه فیما بینها و بین زوجها الموافق لها عن ثلاث خصال. . . و اظهار العشق له بالخلافة والهیئة الحسنه لها فی عینه» «زن برای موفقیت در زندگی مشترک با همسر خویش باید سه خصلت را مورد نظر قرار دهد. یکی اظهار عشق و محبت به همراه طنازی و دلربایی برای شوهر خویش است». اگر زوجین در محیطی زندگی کنند که آن محیط، دوستانه، عاطفی و سرشار از ارزش‌های اخلاقی باشد، به مرور زمان و به صورت ناخودآگاه بر کمالات شخصیتی و اخلاقی آنان افزوده خواهد شد. یکی از مهم ترین عواملی که باعث ایجاد شادابی و نشاط روان زوجین می‌شود، این است که خود را محبوب یکدیگر ببینند. زمانی که زوجین از عشق و علاقه به یکدیگر اطمینان داشته باشند، امنیت خاطر برایشان ایجاد شده و آرامش روانی آنان افزایش پیدا میکند. اینکه زن از حمایت قلبی و مهربانی از سوی همسر خویش برخوردار باشد، آتقندر برای او دارای اهمیت است که بدون این حمایت قلبی و مهربانی زندگی زناشویی برای او قابل تحمل نبوده و هرگز احساس خوشبختی نخواهد کرد. یکی از راهکارهای افزایش محبت و دوستی بین زوجین از دیدگاه دین مبین اسلام ابراز علاقه به صورت کلامی میباشد. مستند این استدلال، احادیث متعددی میباشد که از حضرات معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) در باب اهتمام به ابراز محبت، عشق و علاقه به همسران نقل شده است. مهر و محبت بین زوجین و همچنین اعضای خانواده به یکدیگر موجب جلب رضایت و رحمت خداوند می‌شود و چنین خانواده‌ای پایدارتر و مستحکم تر خواهد بود. امام سجاد (ع) در حدیثی میفرماید: ((و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلها لک سکناً و انساً فتعلم ان ذلک نعمه من الله علیک فتکرمها و ترفق بها و ان کان حقک اوجب فان لها علیک ان ترحمها)) (۲۸). حق زن این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی از جانب اوست. پس احترامش کن و با او مدارا نما، هر چند حق تو بر او واجب تر است اما این حق اوست که با او مهربان باشی. با توجه به مطالب فوق میتوان نتیجه گرفت که ابراز و بیان احساسات، عشق، محبت و علاقه زوجین به یکدیگر از نگاه فقهی در استحکام خانواده، و کاهش آمار طلاق نقش سازنده و موثری دارد.

نتیجه‌گیری

هر عاملی که حیات اجتماعی انسان‌ها را به علل و انگیزه‌های مختلف دچار اختلال کند آسیب اجتماعی می‌نامند. یکی از مهم ترین آسیب‌های اجتماعی، طلاق است. چرا که خود، بوجود آورنده چندین آسیب اجتماعی دیگر از جمله اعتیاد، خودکشی، انحرافات جنسی و . . . است. دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین ادیان الهی وقته برگرفته از آن تاکید فراوانی بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

حوزه‌های مختلف مانند روانشناسی، مشاور خانواده، مشاور فرهنگی و... می‌باشد. اگرچه محققین و پژوهشگران، برعکس ضعف بنیان اقتصادی و معیشت خانواده‌ها تأکید کرده اند، اما در کنار عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز به همان اندازه در وقوع طلاق نقش موثری دارند. لذا با عمل به توصیه‌های اخلاقی دین مبین اسلام در زندگی زناشویی، میتوان از بسیاری از معضلاتی که منجر به تنش و وقوع طلاق می‌شود، پیشگیری کرد. عواملی مانند: قناعت در زندگی زناشویی، چشم پوشی و گذشت از خطای یکدیگر، کنترل خشم و عصبانیت، رفق و مدارا، اخذمشاوره از متخصصین (آیاتی نظیر: و شاورهم فی الامر^۱، و آیه: و امرهم شوری بینهم^۲)، توکل و توسل در مشکلات، افزایش صبر، استقامت و آستانه تحمل در زوجین، پرهیز از اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی، پرهیز از چشم و هم چشمی، افزایش باورها و اعتقادات دینی و عمل به دستورات دینی بالاخص در موضوع عفاف و حجاب، وفاداری و صداقت زوجین با یکدیگر، اهتمام مرد به موضوع کار و تلاش و تقویت اقتصاد خانواده، راز داری زوجین، پایین آوردن سن ازدواج (اعداد ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، ازدواج در سنین بالا روندی افزایشی داشته است)^۳، پرهیز از خود پسندی و خود برتر بینی، پرهیز از غرور، خوش خلقی، تغییر نگرش زوجین نسبت به موضوع ازدواج با این دیدگاه که ازدواج صرفاً یک موضوع صرفاً غریزی، مادی و حیوانی نیست، بلکه خانواده محلی برای رشد و تعالی اخلاقی است و مشکلات پیش رو را باید از این زاویه نگریست.

دارد. همچنین کانون خانواده در نگاه دین مبین اسلام، از جایگاه ویژه و اهمیت بالایی برخوردار و به همان میزان انحلال نکاح ناپسند و مذموم است. متأسفانه آمارها حکایت از افزایش وقوع طلاق و رشد روز افزون و نگران کننده آن در اکثر کشورهای جهان و از جمله کشور ایران دارد. پدیده طلاق مانند سایر پدیده‌های اجتماعی پیچیده تر از آن است که بتوان علت آن را به چند مورد محدود نسبت داد. به نظر میرسد مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بر وقوع طلاق تأثیرگذار هستند. بعلاوه که اثرگذاری این عوامل در وقوع طلاق در جوامع مختلف متفاوت است. این امر نشانگر پیچیدگی خاص طلاق و راه‌های پیشگیری از آن است. با مطالعه در منابع فقهی میتوان راهکارهای متعددی را در پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی طلاق و تحکیم بنیان و سرزندگی خانواده شناسایی و ارائه کرد که در این مقاله به مهم ترین آنها پرداخته شده است. از جمله مهم ترین راهکارهای فقهی پیشگیری از آسیب اجتماعی طلاق، تقویت اعتقادات و باورهای دینی زوجین، اهمیت و نقش حجاب در پیشگیری از پدیده طلاق، تقویت اقتصاد و معیشت خانواده‌ها، توجه به کفویت و هم شان بودن زوجین، آموزش سبک زندگی اسلامی زوجین، افزایش محبت بین همسران و ابراز عواطف و تأثیر آن در کاهش طلاق، توجه به نیازهای جنسی زوجین و وضع قوانینی بر مبنای فقه، دائر بر الزام زوجین به درمان اختلالات جنسی، اهمیت به موضوع حکمیت و داوری و اصلاح نواقص آن و تسری داوری به سایر دعاوی خانوادگی، تاسیس نهادهای داوری تخصصی و استفاده از متخصصین

References

Holy Quran

Nahj al-Balagha

1. Zangabad A, Parhiz F, Khiyambashi E. Temporal-spatial analysis of social harms related to drugs: A case study of district 21 in Tehran. *Strateg Res Social Order Secur.* 2014;4(9).
2. Biranvand A, Ghasemi M, Dargahi H. Economic and social factors affecting divorce in Iran with emphasis on commercial eras, women's education, and employment. *J Econ Model.* 2018;9(4).
3. Varvayi A, Sohrabi M. Crime prevention with a self-control approach from the perspective of Iranian-Islamic mysticism. Tehran: Ariadad Publications; 2019.
4. Gholami R. Islam and social harms: A case study of addiction, divorce, marginalization, and public unrest. Tehran: Shahed University Publications; 2018.
5. Na'imi M. Social harms and family. Tehran: Simin Publications; 2017.
6. Cohen B. Sociology. Sabouri M, translator. Tehran: Farhang-e Mo'aser Publications; 1991.
7. Sarukhani B. Divorce: A study of its reality and factors. 2nd ed. Tehran: University of Tehran Press; 1997.
8. Kulayni M. Al-Kafi. Vol. 2. Tehran: Dar al-Thaqalayn Publications; 2012.
9. Tabarsi H. Makarim al-Akhlaq. 2nd ed. Tehran: Habib Publications; 2007.

^۳ - روزنامه همشهری آنلاین، شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ (<https://www.hamshahrionline.ir/news/668619>)

^۱ - آیه ۱۵۹ سوره مبارکه آل عمران (در کارهای با آنان مشورت نما)

^۲ - آیه ۳۸ سوره مبارکه شوری (و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست)

10. Bazargan A. The order of the Quran. 2nd ed. Tehran: Ghalem Publications; 1996.
11. Afrouz G, Hosseiniyan S, Shamkhani L. An analytical study of the psychological-sexual motives and the feeling of spousal avoidance in couples seeking divorce and presenting educational and training solutions in Islam to reduce divorce. *J Res Islamic Educ Train Issues*. 2022;30(1).
12. Bastan H. Sociology of the family. 1st ed. Qom: Sobhan Publications; 2011.
13. Kousha M. The impact of the expansion of the culture of hijab and chastity on reducing social harms from a jurisprudential and legal perspective. *Saf Mag*. 2017;433.
14. Rasouli Mahallati H. Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim. Subjective with Persian translation and explanation. Tehran: Office of Islamic Culture Publications; 1999.
15. Maslow AH. Motivation and personality. New York: Harper and Row Publishers; 1970.
16. Nazari TS. Inclusion of the "rule of negation of harm" regarding sexual harm and its effect on judicial divorce requests. *J Fam Res*. 2021;17(65).
17. Jafari MT. Commentary on Nahj al-Balagha. Vol. 1. Tehran: Office of Islamic Culture Publications; 2019.
18. Hedayati A. Sufficiency in marriage: In the realm of Islamic jurisprudence and Iranian law. 1st ed. Qom: Bustan Ketab Publications; 2010.
19. Mustafawi H. Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim. 3rd ed. Beirut: Center for the Publication of the Works of Allameh Mustafawi; 2009.
20. Ameli MH. Wasa'il al-Shi'a. Vol. 27. Qom: Maktabah al-Islamiyah Publications; n.d.
21. Mahdavi-Kani MS. Religion and lifestyle. Tehran: Imam Sadegh University Press; 2007.
22. Dashti M. Translation of Nahj al-Balagha. Mashhad: Niloufaraneh Publications; 2002.
23. Harani AMH. Tahfot al-aqool. Edited by Ghaffari AA. Qom: Islamic Publication Institute; n.d.
24. Tamimi Amidi A. Sharh Ghorar al-Hekam va Dorar al-Kalam. Translated by Mohaddes J. Tehran: University of Tehran Press; 2005.
25. Ehsanbakhsh S. Asar al-Sadeghin. 1st ed. Tehran: Office of Friday Prayer Coordination; 1995.
26. Ibn Hayyan NBM. Daaem al-Islam. Edited by Fayzi A. 2nd ed. Qom: Al al-Bayt Institute; 2006.
27. Mohammadi Z. A study of social damages to women in the decade of 1370-1380. Tehran: Women's Cultural and Social Council Public Relations Publications; 2004.
28. Ibn Babawayh MB. Sahifeh-ye Kamelah-ye Sajjadiyeh. Translated by Balaghi SS. Vol. 2. Tehran: Islamic Book House; 2006.